

مقاله پژوهشی:

سیر تحول در راهبرد دفاعی امنیتی روسیه از ۱۹۹۱ تا ۲۰۲۱ بر اساس الگوهای

راهبردی در مدل SWOT

[20.1001.1.74672588.1401.6.21.6.3](https://doi.org/10.17467/2588.1401.6.21.6.3)

احسان فلاحی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰

چکیده

راهبرد دفاعی- امنیتی روسیه در طول سه دهه گذشته مسیر پر فراز و نشیبی را طی کرده است. از آنجایی که روسیه به لحاظ نظامی و جغرافیای سیاسی قدرتی تاثیرگذار در نظام بین‌الملل است، بنابراین راهبردهای دفاعی- امنیتی آن در دوره‌های مختلف آثار قابل توجهی بر محیط پیرامونی داشته است. در بازه زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۲۱ سه الگوی راهبردی مختلف در کنش دفاعی- امنیتی روس‌ها به چشم می‌خورد. مقاله پیش‌رو ضمن بررسی این الگوها تلاش دارد تا با استفاده از مدل سوات و در چارچوب رئالیسم تدافعی و تهاجمی به این پرسش پاسخ دهد که سیر تحولات در راهبرد دفاعی- امنیتی روسیه چگونه بوده است؟ برای پاسخ به این پرسش از اسناد بالادستی روسیه استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که راهبرد دفاعی- امنیتی روسیه به تدریج از حالت تدافعی در دهه ۱۹۹۰ فاصله گرفته است و پس از طی مراحل از سال ۲۰۱۰ به بعد به سمت تهاجمی شدن پیش رفته است. ترجمان وضعیت مذکور در قالب مدل سوات حرکت از الگوی راهبردی انطباقی (ا.دبلیو) در دهه ۱۹۹۰ به سمت الگوی اقتضایی (اس.تی) در دهه ۲۰۰۰ و سپس الگوی آفندی (اس.ا) در دهه ۲۰۱۰ بوده است. این پژوهش با روش کیفی و رویکرد توصیفی- تحلیلی تدوین شده است. داده‌های این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و از اسناد بالادستی روسیه جمع‌آوری شده است.

کلیدواژه‌ها: روسیه، راهبرد دفاعی، سوات، امنیت، الگوهای راهبردی.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، نویسنده مسئول.

در سیاست بین‌الملل دوست و دشمن دائمی وجود ندارد؛ بنابراین تغییر در نگاه امنیتی کشورها در بلندمدت و میان‌مدت طبیعی به نظر می‌رسد. البته در مورد فدراسیون روسیه دگرگونی‌های ناشی از فروپاشی شوروی منجر به تلاطم در سیاست‌گذاری امنیتی مسکو شد که پیامدهای آن تغییرات سینوسی در راهبرد دفاعی-امنیتی روس‌ها در طول سه دهه گذشته است. به‌علاوه تغییرات شدید در محیط پیرامونی روسیه از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۲۱ نیز مزید بر علت شده است. تغییرات امنیتی روسیه را می‌توان ناشی از دو امر کلی است. نخست؛ تمرکز فرآیند تصمیم‌گیری در کرملین و دوم تلاش برای بازیابی جایگاه تاریخی روسیه در نظام بین‌الملل (کولایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۸).

تحولات کلان در نظام بین‌الملل و محیط پیرامونی روسیه در ابتدای دهه ۱۹۹۰ باعث شده بود که مقامات کرملین جهان پسا‌جنگ سرد را عاری از دشمن در نظر بگیرند و غرب را شریکی مطمئن برای جبران توسعه‌نیافتگی و بازیابی جایگاه تاریخی روسیه قلمداد کنند؛ اما در فاصله کمتر از یک دهه این نگاه تعدیل شد و خوش‌بینی نسبت به همکاری با کشورهای غربی و ساختارهای یورآتلانتیکی از بین رفت. تا حدی که با افزایش تنش‌ها از جنگ سرد جدید سخن به میان آمد که منجر به تغییراتی قابل توجه در راهبرد دفاعی-امنیتی روسیه شده است.

با عنایت به مطالب فوق این پرسش مطرح می‌شود که الگوی تحول در راهبرد دفاعی-امنیتی روسیه از ۱۹۹۱ تا ۲۰۲۱ چگونه بوده است؟ برای پاسخ از نظریه رئالیسم تهاجمی و تدافعی استفاده است. همچنین از مدل سوات^۱ برای تبیین الگوی تحولات در راهبرد دفاعی-امنیتی روسیه استفاده شده است. شواهد حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که راهبرد دفاعی-امنیتی روسیه از حالت تدافعی بعد از جنگ سرد در دهه ۱۹۹۰ خارج شده است و در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ حالتی انعطاف‌پذیر داشته است اما از سال ۲۰۱۱ به بعد

وارد فاز تهاجمی شده است. ترجمان این وضعیت در قالب مدل سوات به معنای حرکت از راهبرد انطباقی^۱ به راهبرد اقتضایی^۲ و سپس الگوی آفندی^۳ است.

در این پژوهش برای استخراج راهبرد دفاعی - امنیتی روسیه از مهم‌ترین اسناد بالادستی این کشور استفاده شده است. منظور از اسناد بالادستی چهار سند زیر در ۳ بازه زمانی است. میان این اسناد در هر دوره پیوستگی معنایی مشخصی وجود دارد اما بازه‌های زمانی مورد اشاره را نمی‌توان به‌طور قطع تعیین کرد. تقسیم‌بندی زیر برای تقریب به ذهن و ساده‌سازی موضوع است.

جدول ۱: تقسیم بندی اسناد بالادستی روسیه

دکترین نظامی روسیه	راهبرد امنیت ملی	مفهوم سیاست خارجی	آئین دریایی روسیه	
دوره اول (۱۹۹۱ تا ۱۹۹۹)	۱۹۹۳	۱۹۹۷	۱۹۹۳	-
دوره دوم (۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰)	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰	-
	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۱
دوره سوم (۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰)	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۳	۲۰۱۵
	-	-	۲۰۱۶	-

(منبع: نگارندگان)

مبانی نظری

مفهوم شناسی

مفهوم هرکدام از اسناد بالادستی روسیه بنابر تعریف خود این اسناد به شرح زیر است:

راهبرد امنیت ملی^۴: این سند منافع ملی روسیه و اولویت‌های راهبردی را در حوزه داخلی و خارجی با هدف تقویت امنیت ملی و توسعه پایدار معرفی می‌کند (راهبرد امنیت ملی، ۲۰۱۵).

1. WO
2. ST
3. SO
4. National Security Strategy of the Russian Federation (NSSRF)

مفهوم سیاست خارجی^۱: این سند نگاه نظام‌مند به اصول پایه‌ای، مناطق اولویت‌دار، اهداف و مقاصد سیاست خارجی فدراسیون روسیه را فراهم می‌آورد و بر مبنای قانون اساسی فدراسیون روسیه و اصول شناخته شده بین‌المللی است (مفهوم سیاست خارجی، ۲۰۱۶).

دکترین نظامی روسیه^۲: بیانگر دیدگاه رسمی و تصویب شده دولت در مورد دفاع مسلحانه، نیروهای نظامی و احکام اصلی در مورد سیاست‌های نظامی است (دکترین نظامی روسیه، ۲۰۱۴).

آئین دریایی روسیه^۳: سیاست‌ها در حوزه دریانوردی شامل تحقیق، اکتشاف، توسعه و استفاده از اقیانوس‌ها برای تضمین امنیت ملی و توسعه روسیه را بیان می‌کند (آئین دریایی روسیه، ۲۰۱۵).

چارچوب نظری: رئالیسم تهاجمی و تدافعی

رئالیسم تدافعی و تهاجمی به‌عنوان زیرمجموعه رئالیسم نئوکلاسیک نه تنها بر عوامل سطح نظام بین‌الملل بلکه بر برداشت‌های ذهنی و ساختار داخلی دولت‌ها نیز توجه دارند (آجیلی و رضایی، ۱۳۹۷: ۱۶۸). فرید زکریا عملکرد دولت‌ها را در قالب «شوک ادراکی» مطرح می‌کند که بر اساس آن رویدادهای خاص پیامدهای بلندمدت مربوط به روندهای قدرت را نشان می‌دهند (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۱۲۹-۱۳۱). بر اساس تقسیم‌بندی این پژوهش روسیه در طول هر دوره با شوک‌های ادراکی خاصی مواجه شده است که باعث تغییر در الگوی راهبرد دفاعی - امنیتی در دوره بعد شده است.

جان مرشایمر پنج فرض مشترک رئالیسم تدافعی و تهاجمی را بدین شکل مطرح می‌کند: نظام بین‌الملل اقتدارگریز است؛ دولت‌ها توانایی آفندی دارند؛ دولت‌ها نمی‌توانند مطمئن باشند که هدف حمله قرار نمی‌گیرند؛ دولت‌ها جویای بقا هستند؛ دولت‌ها بازیگرانی خردمند هستند. اما واقع‌گرایان تدافعی معتقدند که اگر دولتی بتواند در وضع موجود از امنیت خود محافظت کند تمایل بیشتری به حفظ وضع موجود خواهد داشت. در مقابل واقع‌گرایان

1. Foreign Policy Concept of the Russian Federation (FPCRF)
2. Military Doctrine of the Russian Federation (MIDRF)
3. Maritime Doctrine of the Russian Federation (MADRf)

تهاجمی دولت‌ها را تجاوزگرت‌تر و توسعه طلب‌تر می‌دانند (چرنوف ۱۳۸۸: ۱۱۰). واقع‌گرایان تهاجمی در مقایسه با نوع تدافعی آن به متغییر سطح واحد توجه کمتری دارند و بیشتر بر فشارهای سیستمی تاکید می‌کنند. اما در کل به نظر زکریا هر میزان قدرت ملی افزایش پیدا کند به همان میزان سیاست‌ها تهاجمی‌تر می‌شود. واقع‌گرایان تهاجمی امنیت را پدیده‌ای کمیاب در نظر می‌گیرند. آنها آنا‌رشی بین‌المللی را بدخیم می‌دانند و وضعیتی هابزی برای آن قائل هستند. در مقابل واقع‌گرایان تدافعی معتقدند امنیت فراوان است و آنا‌رشی بین‌المللی کم‌وبیش خوش‌خیم است (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۱۲۹-۱۳۱).

روش‌شناسی تحقیق

رویکرد این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و با استفاده از مدل سوات تحلیل شده است. چهار دسته راهبرد در مدل سوات قابل شناسایی است. هدف راهبرد تدافعی کاهش ضعف‌های سیستم امنیتی برای کاستن و خنثی‌سازی تهدیدها است. راهبرد انطباقی تلاش دارد تا با استفاده از فرصت‌ها تهدیدات را مهار کند. راهبرد اقتضایی بر پایه بهره‌گرفتن از قوت‌ها برای مقابله با تهدیدات تدوین می‌شود. در راهبرد آفندی تلاش می‌شود که همزمان از قوت‌ها و فرصت‌ها برای رسیدن به اهداف استفاده شود (ضرابی، ۱۳۹۲: ۴۲). در ارتباط با چارچوب نظری می‌توان راهبردهای تدافعی و انطباقی را در بستر رئالیسم تدافعی و راهبرد آفندی را در بستر رئالیسم تهاجمی جای داد. راهبرد اقتضایی نیز چنان‌که از نام آن بر می‌آید متناسب با اقتضانات موجود پیش می‌رود و حالت بینابینی دارد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

راهبرد دفاعی امنیتی روسیه در دهه ۱۹۹۰

بعد از فروپاشی شوروی شکاف عمیقی میان سیاستمداران، نظامیان و روشنفکران روس برای تدوین راهبرد دفاعی-امنیتی جدید شکل گرفت. گروهی معتقد بودند که شاید اصلاحاتی جزئی در راهبرد دفاعی-امنیتی کشور لازم باشد اما باید کماکان به ماهیت کلی سیاست‌های نظامی شوروی وفادار ماند و نیازی به دگرگونی بنیادین در آن وجود ندارد. در

حالی که گروه دیگر خواهان اصلاحات عمیق در برنامه‌های دفاعی و امنیتی روسیه بودند (پیتکویچ، ۲۰۱۸: ۵۰۸). گروه اول امنیت در نظام بین‌الملل را کمیاب و نیت سایر کشورها را تعجزکارانه تلقی می‌کردند. اما گروه دوم آنارشی بین‌المللی را خوش‌خیم تلقی کرده و امکان دستیابی به امنیت از طریق همکاری با سایر کشورها را محتمل می‌دانستند. گروه اخیر که یلستین و طرفدارانش نیز در این دسته جای داشتند دو فرض را در آن زمان مطرح می‌کردند؛ نخست اینکه محیط بین‌المللی پس از فروپاشی شوروی با تغییرات عمده مواجه شده بود و کشورها از تقابل نظامی به سمت شکلی از همکاری در حال حرکت بودند و دوم این که معتقد بودند خطراتی که روسیه در آن زمان با آن مواجه بود بیش از آن که ریشه در عوامل خارجی داشته باشد ناشی از عوامل داخلی است (گلنز، ۱۹۹۴: ۴۶۸). توجه بیشتر به مولفه‌های داخلی بیانگر نگرش واقع‌گرایانه تدافعی است؛ به عبارت دیگر و بر اساس مدل سوات خطرات امنیتی آن زمان را بیشتر ناشی از نقاط ضعف داخلی^۳ می‌دانستند تا تهدیدهای خارجی^۴.

به هر حال پس از کمک ارتش به یلستین برای غلبه بر مخالفان خود در دومای روسیه، اولین سند دکتین نظامی فدراسیون روسیه در نوامبر ۱۹۹۳ به فرمان وی تهیه و به تصویب شورای امنیت روسیه رسید. این سند در واقع به مثابه سازوکار دوران گذار مطرح شد و تا پایان دهه ۱۹۹۰ همچنان مورد استناد بود. دکتین نظامی ۱۹۹۳ بیان داشته بود که مسکو از ایدئولوژی خاصی حمایت نمی‌کند و مسکو هیچ دشمن مشخصی ندارد. همچنین در آن به شیوه‌های غیرنظامی حل و فصل منازعات و ویژگی بازدارنده تسلیحات هسته‌ای اشاره شده بود. این سند، تهاجم نظامی از طرف غرب یا جنگ جهانی را محتمل نمی‌دانست و در عوض منازعات محلی و جنگ‌های منطقه‌ای را به‌عنوان مهم‌ترین منابع تهدیدزا معرفی کرده بود (کرمی، ۱۳۸۹: ۶۹-۶۸). از دیگر اسناد بالادستی در این دوره سند «راهبرد امنیت ملی روسیه» در سال ۱۹۹۷ است که همانند دکتین نظامی ۱۹۹۳ نگاه خوشبینانه‌ای به نظام

1. Pietkiewicz
2. Glanz
3. Weakness (w)
4. Threat (T)

بین الملل دارد. به عنوان مثال در بخشی از این سند آمده است که «تا آینده قابل پیش بینی امکان تهدید به تجاوزات گسترده منتفی به نظر می رسد.» حتی در این سند ایده‌ی ایجاد یک سیستم نوین امنیتی مبتنی بر ساختارهای یورو-آتلانیک برای تامین امنیت در سطح جهانی، منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای با مشارکت روسیه مطرح شده بود (راهبرد امنیت ملی، ۱۹۹۷). از سند راهبرد امنیت ملی ۱۹۹۷ چنین برداشت می شود که گویا جایگاه روسیه در جهان از طریق چند جانبه گرایی در جهانی چند قطبی بهبود خواهد یافت (گدزیمسکی، ۲۰۰۰: ۷۹). به طور کلی در سند امنیت ملی ۱۹۹۷ همانند دکترین نظامی ۱۹۹۳ ریشه بیشتر خطرات امنیتی پیش روی روسیه در سطح داخلی و محلی دیده شده بود و به تداوم مشارکت سازنده با ایالات متحده آمریکا و اروپا و در وهله بعد کشورهایمانند چین، ژاپن و هند تاکید شده بود. همچنین در این سند نسبت به راه‌های تامین امنیت از طرق غیرنظامی مانند اقدامات حقوقی، قراردادهای سیاسی- نظامی و عملیات‌های حفظ صلح چندجانبه نوعی خوش بینی افراطی وجود داشت (بخشی ۲، ۲۰۰۸: ۱۲۵۷-۱۲۵۹). از دیگر اسناد بالادستی مهم «مفهوم سیاست خارجی روسیه» است که برخی از پژوهشگران آن را با عنوان «ره‌نامه سیاست خارجی روسیه» ترجمه کرده‌اند.^۳ نکته محوری در نسخه سال ۱۹۹۳ تاکید بر تضمین امنیت ملی روسیه از راه دیپلماسی و اجتناب از درگیری‌های ایدئولوژیک است. ماهیت کلی سند مذکور تاکید بر اقتصادی سازی سیاست خارجی در دهه ۱۹۹۰ و اجتناب از درگیری‌های نظامی است. در همین راستا به استفاده از ابزارهای سیاسی برای تضمین استقلال و امنیت روسیه نیز تاکید شده است (مفهوم سیاست خارجی، ۱۹۹۳). در این سند دغدغه اصلی بازتعریف هویت شکننده و نابسامان روسیه، ایجاد روابط حسنه با جمهوری‌های تازه استقلال یافته و مهم تر از همه تنش زدایی و ایجاد روابط دوستانه با غرب در راستای نگاه خوش بینانه مبتنی بر راهبرد تدافعی روسیه در دهه ۱۹۹۰ است (شاد، ۱۳۹۶: ۱۵۷). سند «مفهوم سیاست خارجی روسیه» در سال ۱۹۹۳ در واقع نخستین تلاش مسکو برای رهایی از

1. Godzimirski

2. Bakhsi

۳. در زبان روسی به صورت سنتی به جای استفاده از واژه دکترین از واژه روسی КОНЦЕПЦИЯ استفاده می شود که منظور از آن همان تصور ادارکی و مفهومی است (شاد، ۱۳۹۶: ۱۴۵).

بن بست مبتنی بر رویارویی همه جانبه در عرصه جهانی بود که رویکرد اصلی اتحاد جماهیر شوروی در دوران دو قطبی را تشکیل می‌داد (ملویل و شاکلینا، ۲۰۰۵: ۲۸). از مجموع اسناد بالادستی روسیه در دهه ۱۹۹۰ چنین استنباط می‌شود که مسکو با استفاده از فرصت‌های خارجی^۲ در صدد پوشش نقاط ضعف و رفع خطرات بوده است. بنابراین راهبرد دفاعی - امنیتی روسیه در این بازه زمانی مبتنی بر مدل انطباقی بوده است.

راهبرد دفاعی امنیتی روسیه از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰

در دهه ۱۹۹۰ مجموعه‌ای از وقایع مانند دخالت نظامی ناتو در بوسنی ۱۹۹۵، یکجانبه‌گرایی آمریکا در کوزوو ۱۹۹۹، مداخله در امور داخلی روسیه و تشدید بحران چین مسکو را قانع کرد که رویکرد تدافعی و اتخاذ راهبرد (ا.دبلیو) منجر به بازی حاصل جمع صفر خواهد شد. روی کار آمدن پوتین نیز نقش بسزایی در این تفکر داشت (گذیمرسکی، ۲۰۰۰: ۷۸-۷۹). به همین دلیل رویکرد جدیدی اتخاذ شد که نمی‌توان آن را کاملاً تدافعی و یا کاملاً تهاجمی نامید. بر اساس مدل سوات رویکرد دفاعی - امنیتی روسیه در این دوره اقتضایی بود که تحت تاثیر تجربیات ناخوشایند دهه ۱۹۹۰ و همچنین فضای بین‌المللی و منطقه‌ای ناشی از تحولات پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شکل گرفت. مقامات روس و در راس آنها پوتین به خوبی می‌دانستند که تقویت جایگاه بین‌المللی روسیه در عین توجه به رویکردهای نظامی مستلزم اهرم اقتصادی قوی است. بنابراین تمایل به همکاری با اقتصادهای قدرتمند غربی خیلی عجیب نبود (دی‌هاس^۳، ۲۰۱۰: ۷۸). از این رو راهبرد دفاعی امنیتی روسیه در بازه ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ مبتنی بر دو فرض اساسی بنا شده بود؛ نخست تنظیم عمل‌گرایانه روابط روسیه و غرب به دور از خوش‌بینی‌های مفرط و دوم به رسمیت شناختن منافع اقتصادی و سیاسی روسیه در سرزمین‌های سابق شوروی (لیچ، ۱۳۹۶: ۱۳۱-۱۳۲).

با عنایت به نکات فوق دومین دکترین نظامی روسیه در ۲۱ آوریل ۲۰۰۰ منتشر شد. در سند جدید پذیرفته شد که تهدیدهای جدیدی وجود دارد و باید در برابر آن ایستاد. بر این

1. Melville & Shackleina
2. Opportunity
3. De Haas

اساس ایده همکاری با غرب دیگر نمی‌توانست مشکل امنیت ملی روسیه را حل کند. در این دوره روسیه به تدریج از خوش‌بینی دهه پیشین فاصله گرفت و به تدریج از میانه دهه ۲۰۰۰ بازگشت به سیاست قدرت را در دستور کار قرار داد. بنابراین با به قدرت رسیدن پوتین در سال ۲۰۰۰ احیای نیروهای نظامی در اولویت قرار گرفت. در دومین آیین نظامی روسیه در سال ۲۰۰۰ اولویت با بازدارندگی راهبردی بود و رهبری روسیه این حق را برای خود قائل شد که برای حفظ فدراسیون در زمان نیاز اولین استفاده‌کننده از سلاح هسته‌ای باشد. همچنین بر اصلاحات جدی نظامی تأکید شد تا نیروهای نظامی بتوانند دست‌کم در یک بحران مسلحانه داخلی و احتمالاً جنگ‌های منطقه‌ای به‌طور همزمان بجنگند (کولای و صداقت، ۱۳۹۶، ۲۱۲). در دکترین نظامی سال ۲۰۰۰ چهار نوع جنگ مورد توجه بود که شامل درگیری‌های مسلحانه داخلی، جنگ محلی، جنگ منطقه‌ای و جنگ گسترده بود. در سند مذکور استفاده از سلاح هسته‌ای در دو جنگ منطقه‌ای و جهانی مجاز شمرده شد. در حالی که در سند سال ۱۹۹۳ سلاح‌های هسته‌ای فقط در جنگ گسترده مورد توجه بود (سوکو، ۲۰۰۰) و در عین حال جنگ گسترده در سند سال ۱۹۹۳ نیز محتمل دانسته نشده بود. اما در سند جدید با تعهد نسبت به بازدارندگی هسته‌ای و با تأکید بر این که خطر جنگ هسته‌ای نسبت به گذشته کاهش یافته است اما آستانه به‌کارگیری جنگ افزارهای هسته‌ای کاهش یافته و تصریح شده بود که در صورت تجاوز به روسیه و ناکارآمدی سایر جنگ افزارها از این جنگ افزارها استفاده خواهد شد (کرمی، ۱۳۸۳: ۱۴). همچنین گسترش ناتو به سمت شرق و خروج واشنگتن از پیمان بالستیک دو عامل جدی بودند که مسکو را وادار کرد تا به جای تامین امنیت ملی از راه همکاری و مشارکت در امنیت بین‌المللی به شکل انفرادی در صدد تحقق امنیت و منافع ملی برآید. از این رو دومین دکترین نظامی روسیه در سال ۲۰۰۰ قبول کرده بود که با تهدیدات قابل توجهی مواجه است و باید در برابر این تهدیدات مقاومت کند. بنابراین با توجه به این دیدگاه ایده همکاری با غرب دیگر نمی‌توانست تهدیدات روسیه را برطرف کند و مشکلات امنیت ملی را به شکل مطلوب مرتفع نماید؛ در این سند، تهدیدات امنیت ملی فدراسون روسیه در سه حالت زیر مطرح شده بود: الف) تهدیدات

عمده داخلی، ب) تهدیدات خارجی اساسی، ج) تهدیدات نظامی. از جمله این تهدیدات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ادعاهای ارضی بر علیه روسیه، مطالبات در خصوص موضوعات داخلی روسیه، نادیده پنداشتن (یا نقض) منافع فدراسیون روسیه در حل موضوعات امنیتی، مخالفت با جایگاه روسیه در جهان چندقطبی، درگیری‌های مسلحانه و منازعات موجود در مجاورت مرزهای روسیه و هم پیمانان آن، ایجاد گروه‌بندی‌ها جدید و تشکیلات نوین در نیروهای نظامی برای برهم زدن توازن موجود بین نیروهای فدراسیون روسیه و متحدان آن در برابر نیروهای نظامی خارجی، لشگرکشی نیروها (بدون قطعنامه شورای امنیت) به دیگر کشورها، حمله مسلحانه به زیرساخت‌های نظامی مستقر در خاک کشورهای خارجی و نیز به تأسیسات موجود در مرزهای روسیه و متحدان آن، ایجاد بلوک‌ها و اتحادیه‌های نظامی برضد امنیت روسیه و متحدان آن، تضعیف و هدف‌گیری فعالیت سیستم‌های کنترل و فرماندهی نظامی روسیه، حمایت لجستیکی و آموزش گروه‌ها و واحدهای مسلح توسط بعضی دولت‌ها برای حضور در خاک روسیه یا متحدان آن برای خرابکاری، اقدامات خصمانه (روانی، فنی، اطلاعاتی و...) علیه مسکو و متحدان آن، تروریسم و همچنین تبعیض علیه شهروندان روسیه (دکترین نظامی روسیه، ۲۰۰۰). نکته مهم این که در سند سال ۲۰۰۰ مفاد جدیدی به چشم می‌خورد که در آئین‌های نظامی قبلی مطرح نشده بود. بندهای اقتصادی و نظامی که در سند سال ۲۰۰۰ آمده بود تقابل دو دیدگاه مهم در حکومت را به تصویر می‌کشید. در واقع عده‌ای در روسیه اعتقاد داشتند که مسکو باید به لحاظ اقتصادی توسعه پیدا کند تا بتواند به عنوان قدرتی بزرگ در سطح جهانی مطرح شود، بندهای اقتصادی را به سند جدید افزوده بودند. این آیین، برای اولین بار به تهدیدهای آب‌وهوایی و نگرانی از درگیری‌های جغرافیای سیاسی نیز اشاره کرده بود. به‌علاوه یکی از اهداف این سند، اطمینان از توانایی‌های نظامی برای محافظت از امنیت و منافع ملی روسیه و متحدان بوده است. در وجوه داخلی نیز اصلاحات مردم‌سالارانه و اقتصاد ترکیبی، مورد توجه طراحان آن بوده است. از منظر بین‌المللی، روسیه به دنبال ایجاد محیط چندقطبی بوده و این امر بدان معنا است که مسکو در صدد بازیابی موقعیت خود به عنوان ابرقدرت در محیط پیرامونی و سیاست جهانی است. همچنین مسکو خویش را

موظف به رعایت موازین بین‌المللی می‌دانست و به اصول اساسی آن نیز پایبند بود (دکترین نظامی روسیه، ۲۰۰۰). شایان ذکر است که در روند تکاملی دکترین نظامی روسیه در اکتبر ۲۰۰۳ وزارت دفاع روسیه برنامه‌ای را برای توسعه نیروهای مسلح منتشر کرد. این سند ۷۳ صفحه داشت و به‌وسیله وزیر دفاع روسیه سرگئی ایوانف ارائه شده بود. این طرح با وجود این که تفاوت زیادی با دکترین نظامی سال ۲۰۰۰ نداشت، اما آن را روزآمد و بهینه کرده بود. بر این اساس در حالی که دکترین نظامی روسیه در سال ۲۰۰۰ بیشتر متمرکز بر گسترش ناتو بود، طرح ایوانف بیان‌گر توجه روسیه بر تروریسم بود و در قالب مبارزه با تروریسم رویای مسکو برای کنترل مناطق پیرامونی را مجدداً زنده می‌کرد. علاوه بر این طرح مذکور بر ضرورت تبدیل ارتش روسیه به یک نیروی حرفه‌ای جهت شرکت در جنگ‌های نامتقارن اشاره می‌کرد. در این برنامه که از آن با عنوان «توسعه نیروهای نظامی روسیه» یاد می‌شود تأکید جدیدی بر حمایت از اقلیت روس در کشورهای عضو جامعه مشترک المنافع و همچنین به کارگیری نیروی نظامی جهت دفاع از منافع تجاری و اقتصادی فرامرزی روسیه صورت گرفته بود (دبریناسکی، ۲۰۰۰: ۲-۶).

سر انجام در ۵ فوریه ۲۰۱۰ سومین متن بازنگری شده دکترین نظامی روسیه منتشر شد. این سند از چند بخش تشکیل شده است: در بخش اول اصول کلی شرح داده شده است. در بخش دوم خطرها و تهدیدهای نظامی بررسی شده است و بخش سوم دربرگیرنده سیاست نظامی روسیه است و در بخش چهارم بر اهمیت موقعیت اقتصادی و صنایع نظامی در داشتن یک نیروی نظامی کارآمد تأکید شده است (دی‌هاس، ۲۰۱۱: ۳۹). آئین نظامی سال ۲۰۱۰ نشان دهنده پایبندی روسیه به حفاظت از منافع ملی با استفاده از راه‌کارها و ابزارهای دیپلماتیک، اقتصادی، حقوقی، سیاسی، اطلاعاتی، زیست محیطی و مهم‌تر از همه نظامی است. هدف‌های مطرح شده در این سند عبارت بودند از پیشگیری از درگیری‌های نظامی، دفاع همه‌جانبه، جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی و در نهایت تأمین امنیت روسیه به مطلوب‌ترین شکل ممکن. در سند مذکور طرح‌های آمریکا برای ایجاد سپر موشکی در کشورهای اروپایی و همچنین گسترش ناتو به شرق اروپا خطری برای امنیت ملی

فدراسیون روسیه برآورد شده بودند. همچنین تهدیدهای نظامی جدید جهانی مانند مبارزه برای سوخت، انرژی و دیگر منابع طبیعی با استفاده از قدرت نظامی، رقابت تسلیحاتی و توسعه سلاح‌های کشتار همگانی، از جمله سلاح هسته‌ای، انقلاب‌های رنگی و تروریسم بین‌المللی نیز در این سند مورد توجه بود. همانند آئین نظامی سال ۲۰۰۰ در سند ۲۰۱۰ نیز چهار نوع جنگ پیش گفته مشخص شده بود. در آئین نظامی سال ۲۰۰۰ استفاده از جنگ افزارهای هسته‌ای در جنگ منطقه‌ای و گسترده را شامل می‌شد؛ اما در آئین نظامی جدید دامنه استفاده از این جنگ افزارها به نبردهای محلی نیز گسترش یافته که مؤید کاهش دوباره آستانه به‌کارگیری تسلیحات هسته‌ای و تهاجمی‌تر شدن راهبرد دفاعی امنیتی روسیه نسبت به آن چیزی است که در دکترین نظامی سال‌های ۱۹۹۳ و ۲۰۰۰ ذکر شده بود (سوکو، ۲۰۰۰). هدف آئین نظامی سال ۲۰۱۰ از منظر داخلی ایجاد وضعیت پایدار و نیمه دموکراتیک درونی و به‌طور همزمان برخورداری از یک سیستم قدرت متمرکز عنوان شده است. در این دوره روس‌ها در مورد روابط و سیاست بین‌الملل دیدگاه بدبینانه‌ای پیدا کرده بودند و بر خلاف خوش‌بینی‌های که در دهه ۱۹۹۰ داشتند، معتقد بودند که ساختار امنیتی موجود، امنیت مساوی برای همه کشورها را ایجاد نمی‌کند. به‌طوری که بهای امنیت در برخی کشورها ایجاد بی‌ثباتی در سایر کشورها شده است. همچنین در دکترین نظامی سال ۲۰۱۰ اشاره شده است که بسیاری از درگیری‌ها در محیط پیرامونی روسیه بدون راه حل باقی مانده‌اند که لازمه حل و فصل آن برخورداری از نیروی قدرتمند است. به این ترتیب روسیه صراحتاً استفاده از نیروهای نظامی برای دفع تجاوز در برابر خود و حتی متحدانش را حق خود می‌داند و حفظ امنیت روس‌های خارج از روسیه نیز در آن بسیار مهم ارزیابی شده است. همزمان گسترش ناتو به سمت شرق و حوزه خارج نزدیک نیز تهدیدی مهم به‌شمار آمده که ناآرامی در منطقه را به‌همراه خواهد داشت (دکترین نظامی روسیه، ۲۰۱۰).

از دیگر اسناد این دوره سند راهبرد امنیت ملی فدراسیون روسیه در سال ۲۰۰۰ است که تفاوت آن با نسخه سال ۱۹۹۷ تاکید بیشتر بر عوامل ناامن‌کننده در محیط پیرامونی و بین‌المللی به‌جای محیط داخلی و محلی است (دیوسالار، ۱۳۸۷: ۶۱). به‌نظر می‌رسد عامل اصلی این تحول مسائلی مانند گسترش ناتو به سمت شرق، نزاع در یوگسلاوی سابق، جنگ

داخلی چچن و حتی بحران مالی جهان در سال ۱۹۹۸ بوده باشد. مسکو در این سند محیط خارجی را به عنوان منبع بالقوه خطرات امنیتی قلمداد کرده بود. بر همین اساس برای حفظ توان بازدارندگی به قدرت بازدارندگی سلاح‌های در مقابل تهدیدات خارجی تاکید شده است. در این سند اگرچه به چند جانبه‌گرایی و مشارکت جهانی اشاره شده است اما خوش‌بینی اولیه در این مورد کاسته شده است و به رویکردهای مبتنی بر سیاست قدرت برای بازیابی جایگاه جهانی روسیه توجه شده است (سوکو، ۲۰۲۰: ۶-۴). در این زمینه به دو رویکرد متفاوت در سند اشاره است. نخست؛ کشورهایی که از طریق مشارکت چندجانبه در صدد بهبود وضعیت سیاسی و اقتصادی خویش هستند که روسیه خود را حامی این روند می‌داند و رویکرد دوم که بیانگر تلاش کشورهای توسعه یافته غربی برای تسلط بر ساختار بین‌المللی با سرکردگی آمریکا است. شایان ذکر است منافع داخلی روسیه در این سند تقویت دموکراسی، صلح، ثبات و یکپارچگی داخلی و منافع آن در عرصه بین‌المللی بازیابی جایگاه روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ در جهان چند قطبی ذکر شده است (راهبرد امنیت ملی، ۲۰۰۰). سند مذکور در سال ۲۰۰۹ بازبینی شد و با امضای رئیس جمهور مدوودف رسمیت یافت. در حوزه منافع داخلی و خارجی همان موارد پیشین با تغییراتی جزئی تکرار شده بود. حدود نیمی از سند راهبرد امنیت ملی فدراسیون روسیه ۲۰۰۹ (۷ صفحه از ۱۶ صفحه) به امنیت خارجی و نظامی اختصاص یافته بود که در آن به مواردی چون تهدید نظامی از جانب ناتو، آمریکا و سیستم دفاع موشکی در خاک اروپا اشاره شده بود. همچنین در این سند پنج بار به موضوع انرژی اشاره و از آن به عنوان ابزاری برای بازدارندگی راهبردی یاد شده است (دی‌هاس، ۲۰۱۰: ۸۷-۸۸). مهم‌ترین تفاوت سند «راهبرد امنیت ملی فدراسیون روسیه» در سال ۲۰۰۹ با نسخه سال ۲۰۰۰ دیدگاه رسمی مسکو در مورد جایگاه بین‌المللی روسیه بود. راهبرد امنیت ملی فدراسیون روسیه در سال ۲۰۰۰ در واقع تلاش داشت که روند رو به افول سیاسی، اقتصادی و نظامی روسیه را متوقف کند و جایگاه بین‌المللی این کشور را بازیابی کند. اما پس از گذشت ۹ سال موقعیت داخلی روسیه با ثبات‌تر شده است و این کشور به نارسایی‌های دهه ۱۹۹۰ غلبه کرده است و موضوعات مهمی مانند چچن کنترل شده است. حتی این کشور در سال ۲۰۰۸ به گرجستان پاسخ سخت نظامی داده بود.

بنابراین مسکو در این سند با اعتماد نفس بیشتری خواهان رفع تهدید ناتو و برقراری روابط با غرب از موضع برابر شده است (مورالس، ۲۰۰۹: ۳).

سند «مفهوم سیاست خارجی روسیه» مهم‌ترین سند بالادستی روسیه در حوزه سیاست خارجی است که به‌طور بالقوه با مقولات دفاعی و امنیتی پیوند خورده است. اما با توجه به ضروریات حاکم بر عرصه دیپلماسی و سیاست خارجی متن این سند همواره نسبت به سایر اسناد از لحن ملایم‌تری برخوردار است. اهدافی که در نسخه سال ۲۰۰۰ این سند به‌چشم می‌خورد مبتنی بر حفاظت از منافع فردی و جمعی مردم روسیه، مشارکت در فرآیندهای جهانی در راستای توسعه روسیه، تقویت روابط با مناطق مجاور و همسایگان، حمایت از حقوق شهروندان روسی در سایر کشورها و ایجاد منافع مشترک با جهان است. اما در این مسیر تهدیداتی از قبیل جهان تک قطبی، نادیده گرفتن مقررات جهانی و خطرات جهانی سازی برای اقتصادهای ضعیف مطرح شده است. البته تاکید بر نکات مثبتی مانند پایان نظام دوقطبی، کاهش تقابل کشورها، کاهش تهدیدات هسته‌ای، کاهش اهمیت مقولات نظامی، افزایش اهمیت اقتصاد آزاد، ضرورت توجه به ارزش‌های داخلی و توجه بیشتر به علم و تکنولوژی نیز به‌چشم می‌خورد (مفهوم سیاست خارجی، ۲۰۰۰). در این سند از میزان انفعالی که در نسخه سال ۱۹۹۳ وجود داشت کاسته شده بود. اما سند سال ۲۰۰۰ نیز همچنان در دایره یورواتلانتیک‌گرایی جای دارد. در نسخه سال ۲۰۰۸ «مفهوم سیاست خارجی» تقریباً همان اهداف سال ۲۰۰۰ تکرار شده است اما بر برخی وجوه قدرت نرم مانند توسعه زبان و فرهنگ روسی در جهان، تقویت رسانه‌های روس زبان و و ارائه تصویر مثبت از روسیه نیز تاکید شده بود. در عرصه تهدیدات نیز موارد جدیدی همچون افراطی‌گری، تروریسم، جدایی‌طلبی و ناآرام شدن فضای بین‌المللی و محیط پیرامونی بر موارد قبلی افزوده شده است (مفهوم سیاست خارجی، ۲۰۰۸). به‌طور کلی تفاوت سند مفهوم سیاست خارجی روسیه در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۸ را می‌توان در رویکرد آنها دانست. سند سال ۲۰۰۰ رویکردی مبتنی بر تنش‌زدایی در عین توجه به توسعه قدرت ملی دارد. در حالی که رویکرد سند سال ۲۰۰۸ بیشتر عمل‌گرایانه و به منظور بازیابی توان راهبردی

روسیه در جهان و محیط پیرامونی است (دیوسالار، ۱۳۸۷: ۷۲). در همین راستا در سند سال ۲۰۰۸ آمده است که روسیه باید در عرصه جهانی نقشی تکامل یافته به دست آورد و در توسعه معماری جدید روابط بین‌الملل نفوذ قابل توجهی به جای بگذارد. شایان ذکر است که تحولات پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله به افغانستان و عراق و وقوع انقلاب‌های رنگی در محیط پیرامونی روسیه باعث شد که در سند مفهوم سیاست خارجی روسیه ۲۰۰۸ نگاهی منتقدانه به تفسیر دل‌خواهانه از قوانین بین‌المللی و استفاده از زور مطرح شود و یک‌جانبه‌گرایی به ویژه استفاده از نیروی نظامی بدون مجوز شورا امنیت مورد انتقاد قرار گیرد. با این حال سند حاضر این حق را به روسیه می‌دهد تا در مواردی که شرکایش آمادگی لازم برای اقدام مشترک را ندارند، به صورت یکجانبه عمل کند. در این سند همکاری با کشورهای مشترک المنافع در اولویت است و مساله اروپا در اولویت بعدی روسیه قرار می‌گیرد. بنابراین سند سیاست خارجی روسیه در سال ۲۰۰۸ رویکرد بین‌المللی این کشور را به سمت رقابت با غرب سوق داد. در حالی که انتظار می‌رفت با روی کار آمدن مدودف در سال ۲۰۰۸ تعامل بیشتری با غرب صورت پذیرد. در این سند بدون اشاره به نام آمریکا دو بار از یکجانبه‌گرایی انتقاد شده است (مفهوم سیاست خارجی، ۲۰۰۸). با این وجود سند مذکور برای مقابله با یکجانبه‌گرایی و اشنگتن سیاست خارجی روسیه را به حیاط خلوت ایالات متحده در آمریکای لاتین سوق داده است (شیرازی، ۱۳۹۵: ۴۷). شایان ذکر است که این سند یک ماه پیش از جنگ گرجستان تصویب شد و در متن آن همچنان بر تنش زدایی با غرب تاکید شده است حتی در بخشی از سند بر ضرورت شکل‌گیری مشارکت راهبردی با آمریکا تاکید شده است (شاد، ۱۳۹۶: ۱۵۷).

روسیه با توجه به گسترده جغرافیایی سواحل وسیعی از اقیانوس آرام گرفته تا اقیانوس آتلانتیک شمالی، دریای بالتیک، دریای سیاه و دریای خزر در اختیار دارد. با توجه به اهمیت اقتصادی و امنیتی دریاها مسکو برای اولین بار در ۲۰۰۱ سندی با عنوان «دکترین دریایی فدراسیون روسیه» منتشر کرد که تا حدودی سویه‌های راهبرد دفاعی - امنیتی این کشور را نشان دهد. این سند بیشتر دارای ابعاد فنی و اقتصادی است. در قسمتی از این سند به قوانین ناعادلانه دریایی در اقیانوس اطلس اشاره شده است که به وسیله ناتو حمایت

می‌شود. در مورد دریای سیاه و مدیترانه نیز هدف روسیه تامین امنیت پایدار از طریق تقویت نیروی دریایی ذکر شده است (آئین دریایی روسیه، ۲۰۰۱).

راهبرد دفاعی امنیتی روسیه از ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱

در سال ۲۰۰۸ جنگ پنج روزه گرجستان باعث وخامت روابط روسیه و غرب شد. مذاکرات ژنو در سال ۲۰۰۹ نیز توسط اتحادیه اروپا و به نمایندگی فرانسه برای حفظ یکپارچگی گرجستان بی‌نتیجه ماند. از طرف دیگر پیشنهادات روسیه در سال ۲۰۰۹ برای ایجاد یک پیمان امنیت اروپایی با شکست مواجه شد (داودی، ۱۳۹۶: ۵۱-۵۵). سپس بحران اوکراین در سال ۲۰۱۳ و متعاقب آن مداخله نظامی مسکو و الحاق شبه‌جزیره کریمه باعث تیرگی در روابط روسیه و غرب شد که با اعمال تحریم‌های گسترده علیه روسیه همراه شد. مجموعه این اتفاقات تاثیر قابل توجهی بر اسناد دفاعی - امنیتی روسیه در این دهه برجای گذاشتند (پینونمی، ۲۰۱۸: ۲۴۱). تحولات مذکور به علاوه فائق آمدن نسبی بر چالش‌های داخلی در روسیه اعتماد به نفس لازم را به مقامات کرملین برای اتخاذ رویکرد تهاجمی داده بود. به این ترتیب الگوی دفاعی - امنیتی روسیه به سمت الگوی آفندی سوق پیدا کرد.

در پرتو تحولات فوق چهارمین آیین نظامی روسیه در سال ۲۰۱۴ تصویب و ابلاغ شد. سند جدید در شرایط تنش میان روسیه و غرب در بحران اوکراین به‌وجود آمد. در این نسخه نیز همانند دکترین نظامی سال ۲۰۱۰ بر استفاده از سلاح‌های هسته‌ای تأکید شده است. با این تفاوت که در این سند بیان شده که حتی در صورت استفاده از سلاح‌های متعارف با قدرت تخریب بالا بر علیه روسیه و متحدانش، مسکو مجاز به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای است (آیساچنکو، ۲۰۱۴).

این نکته نشان می‌دهد که افزایش احساس تهدید موجب شده است که روسیه اصل تناسب را در پاسخ به اقدامات خصمانه نادیده بگیرد و در صورت لزوم رفتاری کاملاً تهاجمی را از خود به نمایش بگذارد. در دکترین نظامی روسیه در سال ۲۰۱۴ به ویژه بند

۱۲ آن مهم ترین خطرها و تهدیدها علیه روسیه به شکل زیر بیان شده است: نقض هنجارهای بین‌المللی توسط ناتو و گسترش آن، بی‌ثباتی در برخی کشورها، بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای، افزایش نیروهای نظامی در حریم کشورهای همسایه روسیه و متحدان آن، تلاش برای بی‌ثبات سازی برخی کشورها، سامانه دفاع ضد موشکی، ادعای ارضی علیه روسیه و متحدانش و دخالت در امور داخلی آن‌ها، نظامی سازی فضا. با توجه به تاکید قابل توجه این سند به کشورهای هم‌پیمان و محیط پیرامونی در بند ۵۶ آن اولویت همکاری‌های سیاسی و نظامی به ترتیب با بلاروس، جمهوری خودمختار آبخازیا و اوستیای جنوبی، اعضای سازمان پیمان امنیت جمعی، اعضای کشورهای مستقل هم‌سود و اعضای سازمان شانگهای ذکر شده است (دکترین نظامی روسیه، ۲۰۱۴). نکته مهم در سند مذکور این است که روسیه همچنان سازمان ناتو را به‌عنوان تهدید اصلی علیه امنیت ملی خود معرفی می‌کند و به‌طور مستقیم مساله تلافی هسته‌ای را در برابر ناتو مطرح کرده است و آشکار اشاره شده است که نزدیک شدن تأسیسات نظامی ناتو به مرزها و مناطق پیرامونی روسیه و گسترش ناتو به شرق، نشان از تلاش غرب برای افزایش قدرت راهبردی تهاجمی بر علیه روسیه است. لحن سند مذکور به‌گونه‌ای است که نشانگر افزایش احساس تهدید کرملین است. اما به‌طور کلی هدف اصلی در این سند همان چیزی است که در سند سال ۲۰۱۰ مطرح شده بود. از منظر داخلی نیز همان سیاست سال ۲۰۱۰ اما با شدت قوی‌تر و با لحن تندتری ادامه پیدا کرده است. بنابراین از منظر خود روس‌ها با توجه به سیاست‌های غیردوستانه غربی‌ها روسیه وادار شده است موضع تدافعی قوی‌تری در قبال محیط خارجی اتخاذ کند. از فحوای این اسناد بر می‌آید که روسیه در برخی موارد مانند اوکراین تهاجم را بهترین نوع دفاع از خود می‌داند. در حالی که این امر از سوی کشورهای غربی به‌عنوان اقدامی خصمانه و تهاجمی ارزیابی می‌شود.

در راهبرد امنیت ملی سال ۲۰۱۵ روسیه بر قابلیت اقتصادی خود صحه گذاشته است در بند ۹ این سند آمده است که «اقتصاد روسیه توانایی تقویت و حفظ ظرفیت خود را در شرایط ناپایدار و بی‌ثبات اقتصاد جهانی و در شرایط اقتصادی محدود کننده برخی کشورها بر علیه روسیه نشان داده است» همچنین به برخی موفقیت‌های روسیه مانند رشد جمعیت،

برای امنیت ملی خود در نظر می‌گیرد و حق اقدامات متقابل متناسب را برای خود قائل است.» همچنین در قسمت دیگر این بند آمده است که «روسیه اعمال قضایی برون مرزی توسط آمریکا، تلاش آمریکا برای فشارهای سیاسی-اقتصادی یا هر نوع [فشار] دیگر را نمی‌پذیرد و حق واکنش شدید به هرگونه اقدام خصمانه‌ای را از طریق تقویت دفاع ملی و واکنش متقابل یا نامتقارن را برای خود محفوظ می‌داند.» (مفهوم سیاست خارجی، ۲۰۱۶). بنابراین مشاهده می‌شود که پیشنهاد مشارکت راهبردی با آمریکا در سال ۲۰۰۸ به تعامل سازنده در سال ۲۰۱۳ تقلیل یافت و نهایتاً از آمریکا به عنوان یک تهدید در سند سال ۲۰۱۶ نامبرده شده است. روسیه در آخرین سند سیاست خارجی رویکرد برون‌گرایانه خود را تقویت و دستور العمل‌های زیادی را برای مسکو تعریف کرده است. در این سند علاوه بر خارج نزدیک وظایف متعددی برای مسکو در خاورمیانه (مواد ۹۲ تا ۹۷) تعریف شده است که شامل مقابله با تروریسم، افراطی‌گری، یکجانبه‌گرایی و همکاری با کشورهای مهم منطقه مانند ایران و ترکیه و در عین حال مداخله نظامی در بحران سوریه است (مفهوم سیاست خارجی، ۲۰۱۶).

سند دکترین دریایی روسیه در سال ۲۰۱۵ همانند نمونه پیشین آن ۲۰۰۱ بیشتر به موارد اقتصادی اشاره کرده است. اما در برخی موارد رویکرد قاطعانه‌تری اتخاذ شده است مثلاً در جایی از سند آمده است که اهداف کوتاه مدت دریایی ممکن است بر اساس تحولات جغرافیای سیاسی و نظامی در دریاها تغییر کند. این سند توسعه ناتو به شرق از راه دریا و توسعه زیر ساخت‌های نظامی ناتو در دریاها را برای روسیه غیر قابل قبول خوانده است. همچنین حضور کافی نظامی در اقیانوس آتلانتیک به عنوان هدفی بلندمدت برای روسیه مطرح شده است. با توجه به سیاست کلی روسیه مبنی بر نگاه به شرق در این سند به اقیانوس آرام و مبادلات تجاری و اقتصادی از این طریق نیز توجه ویژه شده است در حالی که این موضوع در سند سال ۲۰۰۱ کمتر مورد توجه بود (آئین دریایی روسیه، ۲۰۱۵). به طور کلی ماهیت دکترین دریایی روسیه بیشتر فنی و اقتصادی است اما در مقام مقایسه وزن موضوعات امنیتی و حضور نظامی روسیه در دریاها در سند سال ۲۰۱۵ نسبت به سال

۲۰۰۱ افزایش یافته است. ماتریس سوات راهبردهای دفاعی امنیتی روسیه در تصویر زیر نشان داده شده است.

جدول ۲: ماتریس راهبردهای دفاعی امنیتی روسیه

W	S	SWOT	
<ul style="list-style-type: none"> - هويت شکننده و نابسامان روسيه - خطر جنگ داخلی و جدایی طلبی - تنش قومی - مذهبی در داخل - نا امنی محلی در محیط پیرامونی - تهدید پنداشتن مسکو در محیط پیرامونی - فرسودگی تکنولوژی و زیر ساخت‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> - توانایی‌های روسیه در حوزه سوخت و انرژی - برتری قدرت نظامی روسیه نسبت به همسایگان - بازیابی ثبات داخلی روسیه (اواخر دهه ۲۰۰۰) - قدرت نرم روسیه در قالب کلیسا و نژاد اسلاو - تقاضای خارجی برای صادرات تسلیحات - بهبود توانایی اقتصادی روسیه (دهه ۲۰۱۰) - رشد جمعیت و افزایش امید به زندگی - توانایی‌های روسیه در حوزه سوخت و انرژی - توان دفاعی متعارف روسیه 	SWOT	
<ul style="list-style-type: none"> - تنش زدهایی و ایجاد روابط دوستانه با غرب - جلب اعتماد و روابط حسنه با جمهوری‌ها سابق - بهبود جایگاه جهانی روسیه از طریق ساختارهای یوروآتلانتیکی - تداوم مشارکت سازنده با اروپا، آمریکا و در وهله بعد چین و هند - تضمین امنیت ملی روسیه از طرق دیپلماتیک - اجتناب از درگیری‌های ایدئولوژیک و نظامی 	<ul style="list-style-type: none"> - استفاده از قوا نظامی برای تامین منافع ملی ضمن احترام به قوانین بین‌المللی - نادیده گرفتن اصل تناسب در استفاده از سلاح هسته‌ای (کاهش مجدد آستانه به کارگیری) - ارتقا مشارکت راهبرد با کشورهای آسیا پاسفیک - اتخاذ سیاست تهاجمی به عنوان بهترین دفاع (مورد اوکراین) - ارتقا آمادگی نیروهای رزمی - استفاده از تجهیزات جدید نظامی - حفظ تعامل با آمریکا در عین مقابله جدی با تهدیدات این کشور تقویت رویکرد برون گرایانه روسیه (حضور جدی در بحران‌های منطقه‌ای) 	O	<ul style="list-style-type: none"> - امکان حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات - منتفی دانستن جنگ گسترده - ایجاد سیستم امنیتی نوین با همکاری غرب - چند جانبه گرایی - ارتقا جایگاه دیپلماسی در جهان - تقویت مولفه‌های اقتصادی در روابط خارجی - نبود دشمن مشخص برای روسیه در جهان - افزایش نفوذ در محیط پیرامونی - ظرفیت کشورهای شرقی (چین و هند) - ظرفیت های ترانزیتی برای انتقال انرژی - پیوندهای فرهنگی مناطق مجاور با روسیه - سازمان‌های منطقه‌ای (شانگهای، CIS)
---	<ul style="list-style-type: none"> - احیای قدرت نظامی روسیه و حمایت از هم پیمانان (بازگشت قدرت بزرگ) - استفاده نخست از سلاح هسته‌ای در صورت نیاز (کاهش آستانه به کارگیری) - تداوم همکاری‌های اقتصادی با غرب (مشارکت در فرآیندهای جهانی) - ایجاد توازن میان تحقق امنیت چندجانبه و انفرادی - کنترل مناطق پیرامونی در قالب مبارزه با تروریسم - تلاش برای تامین امنیت روس تبارهای خارج از - تقویت دمکراسی و یکپارچگی داخلی روسیه 	T	<ul style="list-style-type: none"> - وجود تهدیدهای جدید نظامی - گسترش ناتو به شرق - خروج آمریکا از پیمان بالستیک - ادعاهای ارضی بر علیه روسیه - جدایی طلبی - مخالفت با جایگاه روسیه در جهان چندقطبی - اقدام نظامی بدون مجوز شورا امنیت - یکجانبه گرایی - انقلاب‌های رنگی

ارزیابی تحولات در راهبرد دفاعی - امنیتی روسیه

به منظور جلوگیری از اطلاعات کلام مهم ترین نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات در اسناد بالادستی روسیه در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: نقاط ضعف، قوت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها در اسناد بالادستی روسیه

دوره	نقاط قوت	نقاط ضعف	فرصت‌ها	تهدیدها
۱۹۹۰-۲۰۰۰	منابع انرژی‌های فسیلی و منابع طبیعی، سطوح اداری پایدار و مستحکم	تنش مذهبی در برخی مناطق، تنش قومی، پیری جمعیت، وضعیت نابسامان اشتغال، فرسودگی تکنولوژی و زیرساخت‌های صنعتی، پندار تهدید از روسیه، کانون‌های مسلح داخلی	ظرفیت ساختارهای بوروکراتیک، تقویت امکان حل و فصل اختلافات از راه چندجانبه گرای، ارتقا جایگاه مولفه‌های اقتصادی در روابط خارجی،	مداخله در امور داخلی روسیه، حمایت خارجی از جدایی طلبان چین
۲۰۰۰-۲۰۱۰	آمادگی نیروهای مسلح، عمق استراتژیک روسیه، توان دفاعی متعارف، تقویت ارزش‌ها، بازدارندگی هسته‌ای	نارسایی‌های محیط زیستی، اعتیاد به الکل و مواد مخدر در میان قشر جوان، فساد اداری	پیوندهای فرهنگی محیط پیرامونی با روسیه از جمله مذهب ارتدوکس و نژاد اسلاو، ظرفیت کشورهای مستقل همسود، پیمان امنیت جمعی،	گسترش ناتو به شرق، یکجانبه‌گرایی آمریکا، نیروهای نظامی بیگانه در خارج نزدیک، امنیت عرضه انرژی،
۲۰۱۰-۲۰۲۰	توانایی رزمی و نظامی نیروها، جمعیت قابل توجه روس زبان در حوزه پیرامونی، توان دفاعی متعارف و هسته‌ای، قدرت نرم کلیسای ارتدوکس روسی، تقویت گرایش وطن پرستانه در نسل جوان	تهدیدات محیط‌زیستی، قاچاق مواد مخدر، افراط‌گرایی در داخل، تحریم‌های خارجی	ظرفیت سازمان‌های منطقه‌ای (شانگهای)، گرایش به شرق به ویژه چین و هند، جایگاه ترانزیتی روسیه، نفوذ امنیتی در حوزه پیرامونی،	گسترش ناتو، تهدیدات سایبری و جنگ هیبریدی، تروریسم بین‌المللی، سطره جهانی دلار، نظامی‌سازی فضا، تحریم خارجی، نقض قوانین دریانوردی

مواردی که در جدول ۳ آمده بارها در اسناد بالادستی در طول سه دهه گذشته مورد اشاره قرار گرفته است؛ به عبارت دیگر نقاط قوت و ضعف و از سوی دیگر فرصت‌ها و تهدیدهای روسیه در طول سه دهه گذشته تقریباً مشابه بوده است اما الگوهای راهبردی مسکو در مواجهه با آنها در بازه‌های زمانی مختلف یکسان نبوده است (رمضانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۴). در نیمه اول دهه ۱۹۹۰ الگوی راهبردی دفاعی - امنیتی روسیه معطوف به یک نگاه واقع‌بینانه داخلی بود که بر اساس آن وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی داخلی به عنوان بزرگ‌ترین خطر پیش روی روسیه ترسیم شده بود. چنانکه ذکر شد واقع‌گرایان تدافعی در مقایسه با هم‌تایان تهاجمی خود توجه بیشتری به سطح واحد دارند و امکان تحقق امنیت از راه همکاری با رقبا را غیرممکن نمی‌دانند. بر همین اساس در اسناد دهه ۱۹۹۰ بیشتر به برخی نقاط ضعف داخلی توجه شده بود و در حوزه امنیت خارجی نیز تمایل مسکو معطوف به همکاری بین‌المللی بود و شیوه‌های غیرنظامی برای تعامل در سیاست بین‌الملل و محیط پیرامونی اتخاذ شده بود. بنابراین در چارچوب مدل سوات الگوی راهبردی دفاعی - امنیتی روسیه در دهه ۱۹۹۰ مبتنی بر رویکرد انطباقی بوده است. یعنی مسکو با استفاده از فرصت‌های

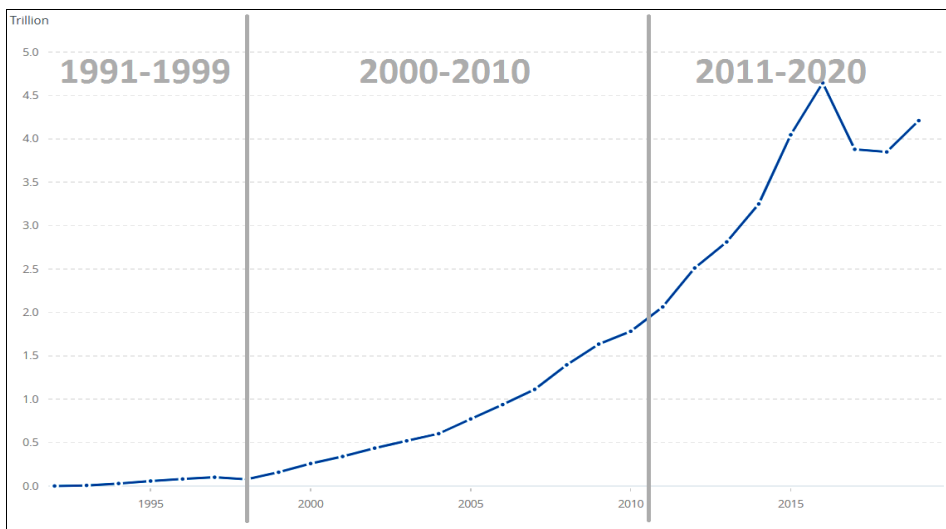
خارجی درصدد کنترل نقاط ضعفی برآمد که عمدتاً از دوران شوروی باقی مانده بود و فدراسیون روسیه را تهدید می‌کرد. این الگوی راهبردی روسیه را در موضع تدافعی فرو برده بود. اما مسکو در اواخر دهه ۱۹۹۰ به این نتیجه رسید که همکاری حداکثری با غرب و خوش‌بینی مفرط نسبت به محیط بین‌المللی نمی‌تواند منافع و امنیت ملی روسیه را به شکل مطلوب تامین نماید. چنان که در این بازه زمانی «شوک‌های ادراکی» به مسکو وارد شد که توجه مقامات کرملین را به روند تحولات قدرت در محیط پیرامونی و بین‌المللی جلب کرد. مهم‌ترین «شوک‌های ادراکی» در دهه ۱۹۹۰ به شرح زیر است: دخالت نظامی ناتو در بوسنی ۱۹۹۵، جنگ اول چچن ۱۹۹۴، دخالت ناتو در کوزوو ۱۹۹۹، جنگ دوم چچن ۱۹۹۹، بحران اقتصادی ۱۹۹۸، پیوستن چک و مجارستان و لهستان به ناتو ۱۹۹۹، حوادث تروریستی و گروگان‌گیری داخلی. همه این حوادث موقعیت امنیتی روسیه را به خطر می‌انداخت. حوادث مذکور مسکو را قانع کرد که رویکرد تدافعی منجر به بازی با حاصل جمع صفر می‌شود و احتمالاً باعث کشیده شدن زمین بازی به درون روسیه خواهد شد. از این رو با آغاز هزاره جدید میلادی مسکو به این نتیجه رسید که توسعه نیافتگی و ضعف‌های به جامانده از دوران اتحاد جماهیر شوروی از طریق همکاری حداکثری با غرب جبران نخواهد شد. بدین ترتیب اسناد بالادستی در دوره بعد؛ یعنی در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ وارد فاز جدیدی شدند که می‌توان آن را یک قدم رو به جلو ارزیابی کرد و در قالب راهبردهای اقتضایی قرار داد. البته این الگوی راهبردی را نمی‌توان تهاجمی نامید؛ بلکه بر اساس مقتضیات موجود رویکردی بینابینی است. هدف این الگوی راهبردی کاهش تهدیدها و جلوگیری از تنش‌زایی است. همچنین بر اساس دیدگاه واقع‌گرایان تهاجمی و تدافعی فشارهای سطح سیستم مهم‌ترین عامل در اتخاذ الگوی رفتاری کشورها است. فضای بین‌المللی پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مهم‌ترین فشار نظام‌مند برای اتخاذ الگوی راهبردی اقتضایی در آغاز هزاره جدید بود. به علاوه در دهه ۲۰۰۰ «شوک‌های ادراکی» بر روسیه وارد شد که شامل موارد زیر است: اقدام تروریستی در تئاتر مسکو ۲۰۰۲، گروگان‌گیری بسلان ۲۰۰۴، بمب‌گذاری در مترو مسکو و سن پترزبورگ، تنش با گرجستان و بلاروس و قطع صادرات انرژی ۲۰۰۶، عضویت هفت کشور دیگر در ناتو

۲۰۰۴ (استونی، لتونی، لیتوانی، بلغارستان، رومانی، اسلواکی و اسلوانی)، انقلاب‌های رنگی (قرقیزستان ۲۰۰۴، اوکراین ۲۰۰۴، گرجستان ۲۰۰۵)، پذیرش استقلال کوزوو از طرف آمریکا و اتحادیه اروپا ۲۰۰۸ و جنگ گرجستان ۲۰۰۸. حوادث مذکور نهایتاً تلاش مسکو برای برقراری رابطه از موضع برابر با غرب، ناتو و آمریکا را محدود کرد. با این وجود وضعیت اقتصادی و رفاه اجتماعی روسیه در دهه ۲۰۰۰ نسبت به دهه ۱۹۹۰ بهتر شد. به‌عنوان مثال روسیه پیامدهای ناشی از بحران مالی جهان ۲۰۰۸ را به خوبی کنترل و برخی نامنی‌های داخلی را مهار کرد. از منظر رئالیست‌های تهاجمی زمانی که دولت‌ها به لحاظ داخلی با ثبات و قدرتمند شوند، انگیزه‌های تهاجمی آنان قوت می‌گیرد. بنابراین «شوک‌های ادراکی» دهه ۲۰۰۰ در محیط پیرامونی و بهبود نسبی قدرت داخلی روسیه منجر به تغییر الگوی راهبردی دفاعی - امنیتی مسکو از سال ۲۰۱۰ به بعد و ورود تدریجی به فاز تهاجمی شد. به این ترتیب اسناد امنیتی روس‌ها معطوف به الگوی آفندی شد. جدول زیر وضعیت دفاعی - امنیتی روسیه در سه دوره مذکور را نشان می‌دهد.

جدول ۴: تحولات در الگوی راهبردی دفاعی - امنیتی روسیه در یک نگاه

بازه	۱۹۹۱ تا ۱۹۹۹	۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰	۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱
رویکرد	رئالیسم تدافعی	رویکرد بینابینی	رئالیسم تهاجمی
راهبرد	راهبرد انطباقی OW	راهبرد اقتضایی ST	راهبرد آفندی SO
حوادث	دخالت نظامی ناتو در بوسنی ۱۹۹۵، جنگ اول چین ۱۹۹۴، دخالت ناتو در کوزوو ۱۹۹۹، جنگ دوم چین ۱۹۹۹، بحران اقتصادی ۱۹۹۸، پیوستن چک و مجارستان و لهستان به ناتو ۱۹۹۹، حوادث تروریستی و گروگان‌گیری داخلی	اقدام تروریستی در تئاتر مسکو ۲۰۰۲، گروگان‌گیری بسلان ۲۰۰۴، بمب‌گذاری در مترو مسکو و سن پترزبورگ، تنش با گرجستان و بلاروس و قطع صادرات انرژی ۲۰۰۶، عضویت هفت کشور دیگر در ناتو ۲۰۰۴ (استونی، لتونی، لیتوانی، بلغارستان، رومانی، اسلواکی و اسلوانی)، انقلاب رنگی (قرقیزستان ۲۰۰۴، اوکراین ۲۰۰۴، گرجستان ۲۰۰۵)، پذیرش استقلال کوزوو از طرف آمریکا و اتحادیه اروپا ۲۰۰۸، جنگ گرجستان ۲۰۰۸	بحران اوکراین و سوریه
دستاورد	-	بهبود اوضاع امنیت داخلی و ارتقای شاخص‌های رفاهی به رسمیت شناختن اوستیا جنوبی و آبخازیا	حضور نظامی در خاورمیانه، الحاق کریمه، ثبات داخلی

با توجه به تغییر تدریجی الگوی دفاعی - امنیتی روسیه از حالت تدافعی به تهاجمی هزینه‌های نظامی این کشور نیز در طول سه دهه گذشته افزایش یافته است. نمودار زیر افزایش هزینه‌های نظامی روسیه را نشان می‌دهد.



نمودار ۱: هزینه‌های نظامی روسیه (بانک جهانی، ۲۰۲۱)

هزینه نظامی روسیه در سال ۱۹۹۲ حدود ۹۰۴ میلیون روبل بوده است. که طبق آخرین آمار به حدود ۴/۲ تریلیون روبل (۴۲ هزار میلیارد روبل) در سال ۲۰۱۹ رسیده است. بیشترین مقدار مربوط به سال ۲۰۱۵ با ۴/۶۴ تریلیون روبل است. شیب صعودی هزینه‌های نظامی مطابق سه بازه زمانی در نمودار بالا تفکیک شده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف. نتیجه‌گیری

بررسی اسناد بالادستی کشورها به منظور فهم تحولات در راهبرد دفاعی - امنیتی آنها یکی از رایج‌ترین و مستندترین راه کارهای موجود است. زیرا اسناد بالادستی نشان‌دهنده نگرش‌های امنیتی در گذشته، حال و تا حدودی آینده است. از آنجایی که راهبرد دفاعی - امنیتی روسیه در سه دهه گذشته با فراز و نشیب قابل توجهی همراه بوده است بررسی اسناد بالادستی این کشور اهمیتی دو چندان می‌یابد. بدین منظور برای درک تحولات حاکم بر راهبرد دفاعی - امنیتی روسیه اسناد بالادستی این کشور مطابق با جدول شماره ۱ در سه

بازه زمانی ده ساله طبقه‌بندی شد. اسناد مذکور در دهه ۱۹۹۰ نشان می‌دهد که مسکو در این دوره در پی جبران شکست‌های دوران جنگ سرد و بهبود جایگاه بین‌المللی خود از طریق همکاری و تعامل با غرب بود. بنابراین در اسناد این دوره نوعی خوش‌بینی نسبت به محیط بین‌المللی و کشورهای غربی وجود داشت. بر همین اساس راهبرد دفاعی امنیتی منبث از این دیدگاه، تدافعی و بر پایه الگوی انطباقی تدوین شده بود. اما عدم دریافت نتایج مطلوب منجر شد که راهبرد دفاعی - امنیتی روسیه در دوره بعدی از حالت تدافعی فاصله گرفته و مبتنی بر الگوی اقتضایی تنظیم شود. روسیه در دهه ۲۰۰۰ تا حدودی بر موانع داخلی فائق آمد که منجر به اعتماد به نفس کشور در عرصه خارجی شد. اما مسکو در عین حال نسبت به محیط پیرامونی احساس تهدید داشت. وضعیت مذکور شرایط لازم برای تهاجمی شدن الگوی دفاعی - امنیتی روسیه را فراهم آورد. به طوری که از سال ۲۰۱۱ به بعد الگوی آفندی در دستور کار اسناد امنیتی قرار گرفت. روسیه در دوره جدید دست به انتخاب‌هایی زده است که نشان‌دهنده سطحی از ثبات در سیاستگذاری دفاعی - امنیتی مسکو است. در این زمینه می‌توان به تصمیم‌های قاطعی چون الحاق شبه‌جزیره کریمه، ورود نظامی به خاورمیانه، فروش تسلیحات به ایران، تلاش برای مشارکت راهبردی با شرق به ویژه چین (به جای تاکید صرف بر اتحادیه اروپا) و اهمیت راهبردی قائل شدن برای حوزه آسیا پاسفیک اشاره کرد. بنابراین به نظر می‌رسد که در سال‌های آینده کمتر شاهد تغییرات سینوسی در راهبرد دفاعی - امنیتی روسیه باشیم.

ب. پیشنهادها

با توجه به تهاجمی شدن الگوی دفاعی - امنیتی روسیه در سال‌های اخیر پیشنهادهای زیر راستای تحقق منافع ملی ج.ا.ایران مطرح می‌شود:

۱. مشارکت متوازن با روسیه در مناطق جغرافیای سیاسی بحران‌خیز مانند غرب آسیا
۲. شناسایی نقاط ضعف امنیتی ایران در منطقه و رفع آنها با استفاده از ظرفیت تهاجمی

روسیه

۳. شناسایی نقاط قوت دفاعی ایران در منطقه و تثبیت آنها با مشارکت روسیه

۴. رایزنی با مقامات روس به منظور خرید تسلیحات پیشرفته نظامی و مهندسی معکوس در کشور
۵. مشارکت بهینه با روسیه در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به منظور مقابله با یکجانبه‌گرایی
۶. استفاده از تجربیات و ناکامی‌های روسیه در تدوین اسناد دفاعی - امنیتی بالادستی در کشور
۷. تشویق روس‌ها برای سرمایه‌گذاری در ایران و تقویت بنیان‌های دفاعی - امنیتی مشترک
۸. همکاری اقتصادی با روسیه در قالب ابتکارات چندجانبه مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیا
۹. انجام مانورهای نظامی با روسیه به ویژه در مناطق حساسی مانند خلیج فارس

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- آجیلی، هادی و رضایی، نیما (۱۳۹۷)، رئالیسم تدافعی و تهاجمی چارچوبی تئوریک برای تحلیل وقایع و رخداد‌های خلیج فارس، *فصلنامه امنیت ملی*، سال هشتم، شماره ۲۷.
- چرنوف، فرد (۱۳۸۸)، *نظریه و زیرنظریه در روابط بین‌الملل*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشرنی.
- داودی، مهدی (۱۳۹۶)، *سیاستگذاری خارجی در فدراسیون روسیه*، تهران: نشر مخاطب.
- دیوسالار، عبدالرسول (۱۳۸۷)، نقش رهنامه نظامی در تحقق اهداف اهداف رهنامه سیاست خارجی، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال ششم، شماره ۲۲.
- رضائی، مجید؛ شمس دولت‌آبادی، محمود و اکبری، حسین (۱۳۹۹)، راهبردهای مواجهه با کنشگری روسیه در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی، *فصلنامه امنیت ملی*، سال دهم، شماره ۳۶.
- شاد، محمد (۱۳۹۶)، *ایران در هندسه سیاست خارجی روسیه*، تهران: موسسه فرهنگی و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- شیرازی، حبیب‌الله (۱۳۹۵)، مطالعه تطبیقی سیاست خارجی روسیه در دوران پوتین و مدودف، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، سال نهم، شماره ۳۳.
- ضرابی، اصغر (۱۳۹۲)، کاربرد مدل سوات، *برنامه‌ریزی قضایی*، سال سوم، شماره ۴.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۳)، دکترین هسته‌ای روسیه: تحول در آستانه به کارگیری، *سیاست دفاعی*، دوره ۱۳، شماره ۴۹.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۹)، *دکترین نظامی روسیه*، تهران: دانشگاه امام حسین.
- کولایی، الهه؛ اسلامی، محسن؛ اصولی، قاسم (۱۳۹۵)، کنشگری امنیتی روسیه در قفقاز جنوبی، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، دوره ۲۲، شماره ۹۵.
- کولایی، الهه و صداقت، محسن (۱۳۸۹)، بحرام اوکراین و آئین نظامی روسیه، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۱۰، شماره ۱.
- لینچ، آلن (۱۳۹۶)، *تاثیر نوع رژیم بر سیاست خارجی روسیه در قبال غرب*، ترجمه مهدی داوری، در *سیاستگذاری خارجی در فدراسیون روسیه*، تهران: نشر مخاطب.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل* (چاپ سوم)، تهران: سمت.

ب. منابع انگلیسی

- Bakhshi, Jyotsna (2008). Russia's national security concepts and military doctrines: Continuity and change, *Strategic Analysis*, Vol. 24, No. 7.
- De Hass, Marcel (2010). **Russia's Foreign Security Policy in the 21st Century Putin**, Medvedev and beyond, London & New York: Routledge.
- Dobriansky, Paula J. (2000). **Russian Foreign Policy: Promise or Peril?**, Washington DC: Council on Foreign Relations, Center for strategic and International Studies.
- FPCRf (1993). **Foreign Policy Concept of the Russian Federation**, Available at: <https://www.russiamatters.org/russian-strategic-documents?page=0>, Accessed on: 2020/12/19.
- FPCRf (2000). **Foreign Policy Concept of the Russian Federation**, Available at: <https://www.russiamatters.org/russian-strategic-documents?page=0>, Accessed on: 2020/12/19.
- FPCRf (2008). **Foreign Policy Concept of the Russian Federation**, Available at: <https://www.russiamatters.org/russian-strategic-documents?page=0>, Accessed on: 2020/12/19.
- FPCRf (2016). **Foreign Policy Concept of the Russian Federation**, Available at: <https://www.russiamatters.org/russian-strategic-documents?page=0>, Accessed on: 2020/12/19.
- Glantz, Marry. E (1994). The origins and development of Soviet and Russian military doctrine, *The Journal of Slavic Military Studies*, Vol. 7, No. 3.
- Godzimirski, Jakub (2007). Russian national security concepts 1997 and 2000: A comparative analysis, *European Security*, Vol. 9, Mo. 4.
- Isachenkov, Vladimir (2014). **New Russian Military Doctrine Says NATO Top Threat**, The Washington Times, 26 December, Available at: <http://www.washingtontimes.com/news/2014/dec/26/new-russian-militarydoctrine-says-nato-top-threat/>, Accessed on: 2020/03/23.
- MADRF (2001). **Maritime Doctrine of the Russian Federation**, Available at: <https://www.russiamatters.org/russian-strategic-documents?page=0>, Accessed on: 2020/12/19.
- MADRF (2015). **Maritime Doctrine of the Russian Federation**, Available at: <https://www.russiamatters.org/russian-strategic-documents?page=0>, Accessed on: 2020/12/19.
- Melville, Anderi & Shackleina, Tatiana (2005). **Russia Foreign policy in Transition Concept and realities**, Budapest & New York: Central European University Press.
- MIDRF (2000). **Military Doctrine of the Russian Federation**, Available at: <https://www.russiamatters.org/russian-strategic-documents?page=0>, Accessed on: 2020/12/19.
- MIDRF (2010). **Military Doctrine of the Russian Federation**, Available at: <https://www.russiamatters.org/russian-strategic-documents?page=0>, Accessed on: 2020/12/19.
- MIDRF (2014). **Military Doctrine of the Russian Federation**, Available at: <https://www.russiamatters.org/russian-strategic-documents?page=0>, Accessed on: 2020/12/19.

- Morales, Javier (2009). Russia's New National Security Strategy: Towards a Medvedev Doctrine'?, *Elcano Newsletter*, Vol. 60, No. 7.
- NSSRF (1997). **National Security Strategy of the Russian Federation**, Available at: <https://www.russiamatters.org/russian-strategic-documents?page=0>, Accessed on: 2020/12/19.
- NSSRF (2000). **National Security Strategy of the Russian Federation**, Available at: <https://www.russiamatters.org/russian-strategic-documents?page=0>, Accessed on: 2020/12/19.
- NSSRF (2015). **National Security Strategy of the Russian Federation**, Available at: <https://www.russiamatters.org/russian-strategic-documents?page=0>, Accessed on: 2020/12/19.
- Pietkiewicz, Michal (2018). The Military Doctrine of the Russian Federation, *Polish Political Science*, Vol. 47, No. 3.
- Pynnöniemi, Katri (2018). Russia's National Security Strategy: Analysis of Conceptual Evolution, *The Journal of Slavic Military Studies*, Vol. 31, No. 2.
- Sokov, Nikolai (2000). **Russia's 2000 Military Doctrine**, Available at: <http://www.nti.org/analysis/articles/russias-2000-military-doctrine/>, Accessed on: 2019/10/12.
- Sokov, Nikolai (2020). **Russia Clarifies its Nuclear Deterrence Policy**. Vienna: Vienna Center for Disarmament and Non-Proliferation.
- World Bank (2021). **Military expenditure (current LCU) - Russian Federation**, Available at: <https://data.worldbank.org/indicator/MS.MIL.XPND.CN?locations=RU>, Accessed on: 2021/02/23.

